

## تحلیل بحران لیبی (بر اساس مدل مایکل برچر)

ایوب حیدری\*

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

### چکیده

بحران پدیده‌ای است که اقصای مختلفی از سیاستمداران، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و محققان به صورت روزانه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و یا به بررسی آن می‌پردازند. هر یک از کنش‌های روزمره این افراد می‌تواند جرقه یک بحران بین‌المللی باشد. تظاهرات مردم شهر بنغازی لیبی در اعتراض به توهین نشریه دانمارکی به پیامبر اسلام (ص) و سرکوب این اعتراضات توسط رژیم قذافی و پس از آن به راه افتادن موج تحولات موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی و سرایت آن به لیبی و به دنبال آن تصمیم قذافی برای سرکوب شدید مخالفانش در سال 2011، بحرانی جدی را در لیبی رقم زد و این کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت. در پژوهش حاضر برای تحلیل فراز و فرودهای این بحران از مدل تحلیل بحران مایکل برچر استفاده شده است. بر اساس این مدل، بحران لیبی پس از قذافی با تشکیل دولت موقت و انتخابات مجلس مؤسسان وارد یک دوره کاهش شد اما از سال 2014 در نتیجه اعتراض اعضای کنگره ملی به محل تشکیل پارلمان جدید و استقرار دو دولت در این کشور، مجدداً وارد مرحله افزایشی شده و تا کنون نیز به‌رغم تلاش‌های نماینده سازمان ملل متحد برای کاهش بحران، نشانه‌هایی از کاهش بحران مشاهده نمی‌شود.

### کلید واژه‌ها

بحران لیبی، مدل تحلیل بحران برچر، آغاز بحران، افزایش بحران، کاهش بحران.

لیبی که از سال 1951 توانست استقلال خود را از استعمار ایتالیا به دست آورد، در سال 1969 با کودتای معمر قذافی مواجه شد. دیکتاتوری قذافی و فشاری که بر جامعه لیبی وارد بود باعث شد که وقتی قذافی در سال 2011 پس از 42 سال حکومت توسط نیروهای ناتو مجبور به رها کردن قدرت شد، لیبی وارد بحرانی عمیق، جدی و طولانی شود (Blanchard & Zanotii, 2011: 1). شاید دخالت خارجی در حذف قذافی باعث شد که پیش از انقلاب لیبی نیروهای داخلی نتوانند به توازن و سازماندهی لازم دست پیدا کنند و این خود عاملی شد تا پس از قذافی علیه همدیگر صف بندی نمایند. ورود آمریکا، کشورهای غربی، ناتو، کشورهای همسایه و برخی قدرت‌های منطقه‌ای (هم‌چون ترکیه، امارات، قطر، عربستان و ...) در بحران لیبی باعث شده است این بحران تبدیل به یک بحران بین‌المللی پیچیده شود. نگرانی از گسترش نفوذ تروریسم در این کشور (با توجه به قدرت گرفتن داعش در لیبی و تصرف بخش‌های مهمی از شهرهای سرت و درنه) و تهدیدی که از ناحیه مهاجران غیرقانونی و مسائل انرژی متوجه اتحادیه اروپا می‌باشد، باعث شده است تا بحران لیبی برای کشورهای مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. در این نوشتار بر اساس مدل تحلیل بحران مایکل برچر، که به بحران در چهار مرحله پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیرات می‌نگرد، بحران لیبی را بررسی می‌نماییم.

## تعریف بحران

در کلی‌ترین صورت تعریف از بحران، گفته‌اند نقطه عطفی است دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی که در آن، مناسبات میان دولت‌ها پیوسته تغییر می‌کند، یا در حالت بحران نظامی، از صلح به جنگ می‌گراید. این مفهوم را در گسیختگی مناسبات اقتصادی یا دیپلماتیک عادی میان دولت‌ها نیز به کار می‌برند. بحران‌ها، انواعی دارند: الف) نظامی: بحران میان دولت‌ها در ستیزی که به سبب تهدید یا به صحنه آوردن نیروها پدید آمده باشد؛ ب) اقتصادی: بحران میان دولت‌های ثروتمند و فقیر به سبب استنکاف دولت‌های فقیر از بازپرداخت بدهی‌ها؛ ج) دیپلماتیک: بحران میان امضاکنندگان یک پیمان، هنگامی که دولتی تصمیم خود را برای زیر پا گذاشتن مقررات آن پیمان اعلام کند (خلیلی؛ سلیمانی‌پور؛ عشرتی خلیل‌آباد، 1392: 154).

پدیده‌ی بحران، ویژگی‌های مشترک دارد: تهدید برای ارزش‌های محوری دست‌کم یک دولت، وجود ابهام در الگوی آینده‌ی مناسبات میان دولت‌های مطرح و ضرورت تبدیل گسیختگی مناسبات و وضعیت ناپایدار به ثبات. هرچند بحران‌های نظامی - امنیتی در همه‌ی ادوار تاریخی وجود داشته‌اند؛ با این همه، در دهه‌ی 60 بحران به‌عنوان پدیده‌ای متمایز در سیاست جهان شناسایی شد. بحران را می‌توان به اشکال مختلف طبقه‌بندی کرد؛ مثلاً طبقه‌بندی بر اساس «موضوع» که در آن، پیش‌بینی بحران، فرآیند تصمیم‌گیری و مدیریت بحران به دست بازیگران لحاظ می‌شود. شیوه‌ی دیگر، گروه‌بندی بر اساس شیوه‌ی تصمیم‌گیری در بحران است که پیشگام آن «مکتب استنفورد» بود. استنفورد بر ادراک معطوف به تهدید، محدودیت زمان، ارتباطات، اطلاعات گسترده و بررسی جایگزین‌ها تأکید داشت. در همین مکتب می‌توان به الگوهای فشار روانی فردی، شناختی یا ادراکی، فرآیند سازمانی یا سایبرنتیک، محاسبه‌ی هزینه یا بازیگر خردمند آلیسون، تهدید شدید و زمان کوتاه و غافل‌گیری هرمان نیز اشاره کرد. در مدل جامع مدیریت بحران، برچر در پاسخ به نارسایی‌های مفهومی فوق، در پی تعریف جدیدی از بحران برآمد. او توانست دگرگونی در فرآیند و ساختار را ترکیب کند و آنها را به ثبات و تعادل پیوند زند و از این طریق، نظریه‌ی او چهار عنصر اصلی نظام بین‌المللی را در برگرفت. برای ارائه‌ی این مدل، برچر و ویلکنفلد به بررسی

323 بحران بین‌المللی در فاصله‌ی سال‌های 1988-1918م. پرداختند و در مجموع به این نتیجه رسیدند که می‌توان یک بحران را هم بر اساس «بازیگر» و هم برحسب «نظام» بررسی کرد. مدل شناسایی بحران برچر بر مبنای شناسایی چهار مرحله‌ی بحران، استوار است: پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیر. تشریح و ارائه یافته‌ها در این چارچوب ناظر بر این است که چگونه هر مرحله، حوزه و مرحله بعدی را شکل خواهد داد. (خلیلی، سلیمانی‌پور؛ عشرتی خلیل‌آباد، 1392: 155).

### مرحله‌ی پیدایش بحران

مرحله‌ی پیدایش، گام نخستین یک بحران است و موجب هیچ‌گونه کنش متقابل خصومت‌آمیز نیست. در واقع دگرگونی در شکنندگی روابط میان دو یا چند دولت و با ادراک تهدید از سوی حداقل یکی از آن‌ها مشخص می‌شود (برچر، 1382: 57). این مرحله را به دوره ماقبل بحران یا پیدایش تعبیر می‌نمایند. در این مرحله موضوع عدم تهدید یا تهدید اندکی که ارزش‌ها را هدف گرفته، احساس می‌شود. گاهی در این مرحله افزایش شدید و بیش از حد معمول کنش متقابل انجام می‌گیرد. مرحله پیدایش یک بحران بین‌المللی مستلزم وجود حداقل دو کشور دشمن است که یکی یا هر دو بیش از حد معمول تهدید به ارزش‌ها را درک کرده و پاسخ می‌دهد. مرحله پیدایش به کنش، رخداد یا موقعیتی باز می‌گردد که طی آن در تصمیم‌گیرندگان تصور تهدید علیه ارزش‌های اساسی، فشار مدت زمان کوتاه برای پاسخگویی و احتمال درگیری نظامی، ایجاد می‌شود (Brecher & Wilkenfeld, 203: 23).

### مرحله گسترش بحران

در مرحله گسترش بحران با شکنندگی خیلی شدیدتر و نیز نوعی افزایش کیفی در احتمال مخاصمات نظامی مواجه هستیم. در این مرحله بالاترین حد وخامت و حداکثر فشار روانی ایجاد می‌شود. شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا خواهد بود که به‌صورت حرکت از برخوردهای کم‌اهمیت به‌سوی برخوردهای جدی و یا جنگ بین متخاصمین انجام خواهد گرفت. صاحب‌نظران در مطالعه بحران‌ها در این مرحله تمرکز ویژه‌ای بر بحث واکنش رهبران کشورها و نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها دارند. رهبران در شرایط بحرانی باید بر اساس سه عنصر تهدید، زمان و غافلگیری نوع برخورد مناسب با بحران را تدارک ببینند. در واقع مدیریت بحران در این مرحله از اهمیت بیشتری برخوردار است. حالت‌های متصور از نسبت میان سه عنصر یاد شده، مکعبی را تشکیل می‌دهد که به مکعب بحران معروف است. بر این اساس در هر رأس مکعب، شرایط بحران از لحاظ شدت و ضعف تهدید، بلند و یا کوتاه بودن زمان و قابل پیش‌بینی بودن و یا نبودن تهدید سنجیده می‌شود که مجموعاً هشت وضعیت یا هشت بحران شامل بحران‌های نوظهور، بطئی، استثنائی، انعکاسی، عمدی، عادی و اداری قابل تشخیص می‌باشد (قامت، 1388: 171).

### مرحله‌ی کاهش بحران

مرحله‌ی کاهش یا پایان بحران، زمانی شکل می‌گیرد که تبعات بحران برای متخاصمین و یا سایر بازیگران مشخص شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی چون از بین رفتن تهدید، فشار زمان و احتمال جنگ عملیاتی درک شده و این باور را برای دو طرف ایجاد می‌کند که توافق برای پایان جنگ، هر دوی آن‌ها را در وضعیت بهتری قرار خواهد داد. برای طرفین یک بحران، سود مورد انتظار از ادامه جنگ باید کمتر از فایده مورد توقع از برقراری آتش‌بس و حل‌وفصل یک بحران باشد. یادآوری این نکته را ضروری می‌داند که در این‌جا جنگ دقیقاً معادل بحران گرفته نشده بلکه تغییرات صحنه جنگ در ارتباط به موازات وضعیت بحران مدنظر قرار گرفته است. در همین ارتباط کی. جی. هالستی، شش روش را در خصوص حل‌وفصل منازعات بین‌المللی مشخص کرده است که عبارتند از: 1-

احتراز یا عقب‌نشینی داوطلبانه؛ 2- غلبه خشونت‌آمیز؛ 3- تسلیم یا عقب‌نشینی اجباری ناشی از تهدید جهت به‌کارگیری زور؛ 4- سازش؛ 5- حکمیت یا ارجاع منازعه به داوری؛ 6- حل‌وفصل منفعلانه که یا تسلیم در برابر یک وضعیت موجود جدید، بدون یک توافق رسمی کاهش بحران ممکن است در کوتاه‌مدت یا درازمدت از طریق چانه‌زنی مستقیم، مداخله طرف ثابت و اعمال قدرت نظامی برتر یکی از طرفین درگیر تحقق پیدا کند (قامت، 1388: 173-172).

### تأثیر بحران

منظور از تأثیر، همان آثار و عواقب بعدی بحران است. به‌دیگر بیان، آثار بحران بر طرفین درگیر، نظام بین‌الملل و دیگر نظام‌های فرعی مد نظر می‌باشد. در این‌جا میراث بر جای مانده از بحران‌ها توصیف و تبیین می‌شود. نتیجه بررسی‌ها باید مشخص کند که آیا این بحران تأثیری بر کاهش یا افزایش تنش بین طرفین درگیری داشته است یا خیر؟ (برچر، 1382: 95). تأثیر بحران می‌تواند با شاخص‌هایی نظیر تغییر در توزیع قدرت، بازیگران، قواعد بازی و ائتلاف‌ها سنجیده شود (Brecher, 2003: 318).

### مرحله پیدایش بحران لیبی

جرقه بحران لیبی به اهانت به پیامبر اسلام (ص) در دانمارک (در سال 2005) بر می‌گردد (اکبری، 1393: 353). اثر پروانه‌ای این اقدام باعث پایه‌ریزی انقلاب لیبی شد. مردم بنغازی پس از آن حادثه در خیابان‌های شهر به تظاهرات پرداختند که در جریان آن با تیراندازی پلیس قذافی یک نفر کشته شد. پس از آن هر ساله این تظاهرات تجدید شد. به‌دنبال انقلاب‌های تونس (از دسامبر 2010 شروع و در ژانویه 2011 به‌ثمر نشست) و مصر (از ژانویه 2011 آغاز و در فوریه 2011 منجر به استعفای مبارک شد) اعتراضات لیبی هم از 13 ژانویه 2011 شعله‌ور شد (Joy, 2011: 2) و سرانجام در 20 اکتبر 2011 با سرنگونی قذافی انقلاب لیبی به‌ثمر نشست. جنگ داخلی یا انقلاب 2011 لیبی، که با نام انقلاب 17 فوریه نیز شناخته می‌شود، از 13 ژانویه سال 2011 میلادی، به‌دنبال بالا گرفتن اعتراضات و راهپیمایی‌های خیابانی مخالفان و سپس شورش سراسری علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی آغاز شد و پس از همراه شدن با سرکوب شدید و سپس جنگ داخلی، در 20 اکتبر 2011 میلادی با سرنگونی حکومت قذافی تحقق یافت (Bhardwaj, 2012: 81).

### مرحله گسترش بحران لیبی

اعتراضات که از 13 ژانویه شروع شده بود، از 15 فوریه 2011 میلادی به‌تدریج در سراسر کشور گسترده شد. در 17 فوریه (روز خشم و قیام لیبی) اعتراضات به‌شدت گسترش یافت، به‌نحوی که تا 20 فوریه بنغازی دومین شهر لیبی و بیضا با درگیری خونین و در طرابلس، پایتخت لیبی با حملات جنگنده‌های نیروی هوایی دولت علیه مخالفان همراه شد (O'Brien & Sinclair, 2011: 5). جامعه بین‌المللی شامل سازمان ملل، اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب چندین طرح دیپلماتیک برای حل سریع بحران پیشنهاد دادند؛ اما این طرح‌ها مانع از گسترش بحران نشد (United Nations Security Council Report, 2012: 2). از 22 فوریه قذافی چندین بار در تلویزیون ملی لیبی ظاهر شد و با رد کناره‌گیری خواهان سرکوب بیشتر مخالفان شد.

تعدادی از سفیران لیبی در جهان و هم‌چنین تعدادی از وزرای کابینه دولت لیبی از جمله ژنرال عبدالفتاح یونس‌العبدی وزیر کشور، در اعتراض به سرکوب مردم معترض استعفا دادند. در همین راستا سازمان ملل متحد سرکوب مردم معترض توسط حکومت لیبی را محکوم کرد و خواهان پایان دادن به خشونت‌ها در این کشور شد. قذافی در نطقی تلویزیونی خود را رهبر لیبی معرفی کرد - نه رئیس‌جمهور که بخواهد استعفا دهد - و بر ادامه سرکوب مخالفان تأکید کرد. شورای امنیت

سازمان ملل متحد، در 26 فوریه در قطعنامه‌ای که با اجماع به تصویب رسید، معمر قذافی رهبر لیبی و نزدیکان او را تحریم کرد و خواهان محاکمه او در دیوان بین‌المللی کیفری به جرم جنایت علیه بشریت شد (Joy, 2011: 3). بیشتر شهرهای لیبی از شرق گرفته به سوی غرب، در کنترل مخالفان دولت قرار گرفت.

مخالفان در 27 فوریه دولت موقت را به ریاست مصطفی محمد عبدالجلیل، وزیر مستعفی دادگستری دولت، در بنغازی تشکیل دادند (O'Brien & Sinclair, 2011: 5). از جمله وظایف این دولت موقت، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت پس از انقلاب بود. تا پایان فوریه 2011 علاوه بر شرق کشور، تعدادی از شهرهای غرب و شهرهای نزدیک پایتخت لیبی (طرابلس) از جمله مصراته و زوایه به علاوه قسمتی از پایتخت هم در کنترل مخالفان قرار گرفت. با مقاومت قذافی و اصرار وی بر سرکوب مردم، آمریکا ناوهای جنگی خود را به سواحل لیبی گسیل داشت، «هیولاری کلینتون» وزیر خارجه وقت آمریکا از مطرح بودن همه گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی خبر داده بود. نیروهای دریایی آمریکا لیبی را به محاصره خود درآوردند. «دیوید کامرون» نخست‌وزیر انگلستان نیز احتمال روی آوردن به گزینه نظامی را علیه رژیم قذافی بعید ندانسته بود.

8 مارس 2011 میلادی دولت لیبی از پذیرش دیپلمات‌های انگلیسی که برای دیدار با مخالفین قذافی به بنغازی آمده بودند، پرهیز کرد و آن‌ها را اخراج نمود. در همین حال، ناتو طرح پرواز ممنوع آسمان لیبی را در دست بررسی قرار داد. نیروهای دولتی ضمن اخراج انگلیسی‌ها به پیشروی خود ادامه دادند. تا 12 مارس پیشروی هواداران قذافی منجر به بازپس‌گیری بعضی از شهرهای شرقی لیبی از مخالفین دولت گردید. در 18 مارس شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه 1973 را به تصویب رساند که طی آن آسمان لیبی را «منطقه پرواز ممنوع» اعلام کرد و به ناتو اجازه داده شد که تحت عنوان «مسئولیت حمایت» علیه قذافی وارد عمل شود (Chipaike, 2012: 43). در پی آن جنگ نیروهای ائتلاف شامل اعضای ناتو علیه دولت لیبی شروع شد. اوپاما این حمله را ستوده و آن‌را در راستای تعقیب ارزش‌های آمریکایی و غربی (حقوق بشر و دموکراسی) ارزیابی نمود (Ebaye, Enor & Chime, 2011: 176). به دنبال آن، صدها هزار نفر از مردم لیبی از شهرها دست به فرار زدند. در پیشروی‌های مخالفین بیشتر شهرهای شرق کشور و نیمی از شهرهای شمال غربی به کنترل آن‌ها درآمد و تنها پایتخت لیبی و چندین شهر دیگر در غرب کشور در دست نیروهای دولتی باقی ماند.

درگیری‌ها طی چند ماه پس از آن ادامه داشت. چندین بار نیروهای دولتی بعضی شهرهای در دست مخالفین را تصرف کرده و مجدداً از آنها رانده شدند؛ تا این‌که سرانجام طی عملیات «سپیده‌دم عروس دریا» در 20 آگوست 2011 میلادی مخالفین توانستند همه شهرهای مذکور را در دست خود بگیرند و تا نزدیکی طرابلس موضع بگیرند. هم‌زمان عبدالسلام جلود (نفر دوم حکومت لیبی و نخست‌وزیر قذافی) به مخالفین پیوست. در 22 آگوست 2011 پس از 6 ماه نبرد مخالفین به طرابلس نفوذ کردند و وارد میدان سبز شدند. تصرف دو شهر دیگر یعنی بنی ولید و سرت خیلی طول کشید. سرهنگ قذافی نیز ناپدید شد. سرانجام در 19 سپتامبر 2011 شهر سرت سقوط کرد. با تصرف شهر سرت (زادگاه قذافی) معمر قذافی نیز دستگیر و کشته شد.

### مرحله کاهش بحران لیبی

پس از به‌ثمر نشستن انقلاب دولت موقت در 7 جولای 2012 اقدام به برگزاری انتخابات کنگره ملی (مجلس مؤسسان) نمود که طی آن اسلام‌گرایان اخوانی موفق به کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان شدند. کنگره ملی لیبی پس از برگزاری انتخابات، وظیفه وضع قانون اساسی جدید و تشکیل دولت جدید را بر عهده داشت. لیبی پس از سقوط قذافی در سال

2011 برای حدود یک سال ونیم توسط دولت منتخب از سوی کنگره ملی اداره می‌شد؛ اما این روند ادامه نداشت و بار دیگر بحران وارد مرحله افزایشی شد.

### بازگشت مرحله گسترش بحران لیبی

پس از برگزاری انتخابات پارلمانی در جولای 2014 که به پیروزی ملی‌گرایان این کشور انجامید، اختلافات داخلی در این کشور آغاز گردید. اسلام‌گرایان به بهانه تغییر محل تشکیل پارلمان جدید از بنغازی به طبرق و با استناد به حکم دیوان عالی لیبی، پارلمان جدید را غیر قانونی اعلام کرده و به احیای کنگره ملی سابق اقدام نمودند (hrw.org). در نتیجه اداره کشور به دست دو پارلمان با دولت‌های منتخب آن‌ها افتاد. یک دولت به نخست‌وزیری عبدالله‌الثنی در طبرق و دولت دیگر به نخست‌وزیری عمر الحاسی در طرابلس تشکیل شد و دو دولت در حال نبرد با یکدیگر و هم‌زمان نبرد با داعش و گروه‌های تروریستی می‌باشند. برناردینو لئون نماینده سازمان ملل سعی در حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران داشته است. وی تا کنون ده دور مذاکره بین طرف‌های درگیر در لیبی در بروکسل، ژنو، الجزیره و رباط برگزار کرده که تا کنون نتیجه خاصی در حل بحران حاصل نشده است. وجود بازیگران متعدد در صحنه تحولات لیبی حل بحران این کشور را پیچیده نموده است. بازیگران صحنه بحران لیبی را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود.

بازیگران خارجی		جریانات داخلی	
کشورهای غربی	مخالفان انخوان المسلمین و اسلام‌گرایان	طرفداران انخوان المسلمین	دولت طبرق
کشورهای غربی به اعتبار انتخابات مرمی از پارلمان و دولت طبرق حمایت می‌کنند و طیف اسلام‌گرایان را با برچسب تروریسم محکوم می‌کنند.	امارات متحده عربی، مصر، عربستان سعودی، چاد و نیجر در طیف مخالفان انخوان لیبی قرار دارند. این گروه از کشورهای از پارلمان و دولت طبرق، شورای قبایل، نژال حضر و باقی‌مانده‌های رژیم فذافی حمایت می‌کنند.	ترکیه، قطر، سودان و حزب النهضة تونس در این طیف قرار می‌گیرند.	۱- طرفداران نژال حضر ۲- شورای قبایل لیبی ۳- باقی‌مانده‌های رژیم فذافی؛ به رهبری احمد فذاف‌الدیم معمولی فذافی که مورد حمایت مصر هم هستند.
			۱- انخوان المسلمین لیبی؛ عملاً جبه دولت طرابلس را گرفته‌اند. ۲- حزب عدالت و سازندگی؛ بازوی سیاسی انخوان در لیبی است که در شورای ملی انتقالی و کنگره ملی قدرت و نفوذ قابل توجهی داشت ولی در انتخابات پارلمانی نتیجه خوبی نگرفت. ۳- نیروهای مسلح انقلابی معروف به دروغ لیبیا؛ تشکیلات نظامی نزدیک به انخوان است که به فوج لیبیا معروف است.
			۱- مدخلی‌ها؛ معتقد به اطاعت از لوتولامر و عدم خروج علیه حاکم وقت هستند. مورد حمایت عربستان ۲- انصار الشریعه؛ در بنغازی و برخی شهرهای شرقی حضور دارند. مجلس شورای انقلابیون را در مقابل حضر تشکیل داده‌اند. ۳- داعش؛ در شهر درنه هستند.

Source: Combaz & Emilie (2014), Key actors, dynamics and issues of Libyan political economy, Helpdesk Research Report.

با تلاش‌های برناردینو لئون نماینده سازمان ملل متحد در لیبی، چندین دور مذاکرات صلح بین طرف‌های درگیر در لیبی و در سطوح مختلف برگزار شد که بار دیگر نوید کاهش بحران را در این کشور داد؛ اما روند مذاکرات و اختلافات دولت‌های رقیب به‌گونه‌ای است که کاهش بحران در لیبی را در کوتاه‌مدت دور از ذهن نموده است. در سطور ذیل با اشاره روند برگزاری مذاکرات این موضوع روشن‌تر خواهد شد.

### تأثیر مذاکرات صلح سازمان ملل در بحران لیبی

مذاکرات لیبی تحت نظارت سازمان ملل شامل چهار مرحله بود که شامل بررسی مسئله شوراهای شهر، تشکیلات گروه‌های مسلح، جریان‌ها و احزاب سیاسی و نیز بافت اجتماعی این کشور بود که متشکل از شیوخ و سران عشایر و مناطق می‌شود. در همین راستا چندین نشست با حضور نمایندگان شهرداری‌های لیبی و هم‌چنین نشست‌هایی با حضور شیوخ و قبائل این کشور برگزار شده است. برناردینو لئون نماینده سازمان ملل متحد در لیبی هم‌چنین سه دور از مذاکرات صلح را در الجزایر برگزار کرد که در آن علاوه بر رهبران سیاسی و احزاب، نمایندگان شبه‌نظامیان نیز حضور داشتند ([globalpost.com](http://globalpost.com))؛ اما مهم‌ترین بخش از مذاکرات که با میانجی‌گری لئون برگزار شد، مذاکرات بین دولت‌های رقیب در لیبی است. تا کنون هفت دور از این مذاکرات برگزار شده است که آخرین دور آن در دوم جولای 2015 در صخیرات واقع در کشور مغرب برگزار شد. در سطور ذیل به روند برگزاری این نشست‌ها و فراز و فرودهای بحران لیبی در این روند اشاره می‌کنیم.

برناردینو لئون از سپتامبر 2014 مذاکرات خود را با اقشار و جریانات مختلف لیبی به‌منظور حل بحران این کشور آغاز کرد. وی با هشدار نسبت به کشیده شدن این کشور به جنگ داخلی تأکید کرد که پارلمان این کشور در طبرق تنها نماینده قانونی مردم لیبی است و اظهار داشت نیروهای مسلح (نیروهای ژنرال حفتر و فجر لیبیا) نیز نباید در روند مذاکرات کشور، شرکت کنند؛ اما لئون بعدها در مواجهه با واقعیت‌های موجود در لیبی دیدگاه خود را در خصوص حضور نظامیان در مذاکرات تغییر داد.

لئون در روزهای اولیه فعالیت خود با اشاره به استقبال سازمان ملل از هر گونه طرحی که به بحران لیبی پایان دهد، تأکید داشت در جریان این مذاکرات باید میانه‌روهای مخالف حضور داشته باشند و این گفت‌وگوها باید از سوی افراد سیاسی تأثیرگذار صورت گیرد. وی تأکید کرد که سازمان ملل همواره برای خروج شبه‌نظامیان در سطح شهر و فرودگاه‌ها تلاش می‌کند؛ چراکه رهایی از خشونت و تروریسم و پایبندی به جریان دموکراسی شرط اصلی مشارکت در هر گفت‌وگویی است. لئون هم‌چنین معتقد بود حل بحران لیبی باید از طریق یک راه‌حل سیاسی و نه حقوقی<sup>1</sup> باشد. این در حالی بود که درگیری بین نیروهای ژنرال حفتر و فجر لیبی در جریان بود. در چنین وضعیتی پارلمان طبرق اعلام کرد که با طرح سازمان ملل برای حل بحران موجود در کشور آن‌هم از طریق مذاکره ملی و توقف خشونت‌های مسلحانه موافق است؛ اما طرح موجود که آشکارا از دولت طبرق حمایت می‌کرد مورد قبول دولت طرابلس واقع نشد ([www.isna.ir](http://www.isna.ir)).

لئون پس از روبرو شدن با واقعیت‌های موجود در لیبی تلاش کرد که با برگزاری مذاکرات بین دولت‌های رقیب و لحاظ کردن نظرات هر دو دولت در تدوین پیش‌نویس توافق، بحران را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کند. در همین راستا نخستین دور از گفت‌وگوهای آشتی ملی در لیبی در ۱۱ مه سپتامبر 2014 در شهر غدامس در جنوب لیبی برگزار شد. این مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت ([Alaraby.co.uk](http://Alaraby.co.uk)). دور دوم این مذاکرات در ژانویه 2015 در ژنو برگزار شد که به‌علت عدم

1 - پیگیری نکردن راه‌حل حقوقی بحران توسط لئون در این مرحله بدین علت بود که تمایل نداشت حکم دادگاه قانون اساسی لیبی در خصوص غیر قانونی بودن پارلمان طبرق را لحاظ کند.

حضور نمایندگان دولت طرابلس که خواستار برگزاری مذاکرات در داخل کشور بودند، به نتیجه نرسید (Un.org). سومین دور از مذاکرات صلح در 11 فوریه 2015 در شهر غدامس لیبی برگزار شد که این مذاکرات هم به شکست انجامید و حتی توافقات در زمینه آتش‌سوزی نیز از سوی هیچ یک از دو طرف عملی نگردید و بحران بیش از پیش رو به افزایش نهاد (Reuters.com). چهارمین دور از گفت‌وگوهای آشتی ملی در پنجم مارس 2015 در صخیرات مغرب برگزار شد و با صدور بیانه‌ای مبنی بر رد هر گونه مداخله خارجی در این کشور و پایبندی به حل سیاسی بحران برای حفظ حق حاکمیت و وحدت ملی این کشور، به کار خود پایان داد (Reuters.com). در این دور از مذاکرات کنگره ملی لیبی پیشنهاد تشکیل شورای ریاست جمهوری را با مشارکت شش عضو از این کنگره و پارلمان منتخب این کشور، ارائه کرد که می‌بایست به اداره امور کشور و نظارت بر عملکرد دولت بپردازد. طرح کنگره ملی هم‌چنین شامل نحوه انتخاب نخست‌وزیر و اعضای کابینه، تشکیل دولت و مدت حکومت، چگونگی تصمیم‌گیری و نحوه نظارت بر عملکرد دولت و اصلاح قانون اساسی می‌شد. طرح مذکور مورد قبول دولت طبق واقع نشد و مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت (www.presstv.ir).

لئون مایوس نشده و یک‌بار دیگر در روز 24 مارس 2015 طرحی شش ماده‌ای را برای حل بحران این کشور بر اساس احترام به انتخابات و نتایج آن، احترام به مشروعیت و نهادهای بین‌المللی و هم‌چنین تبعیت از مبادی انقلاب 17 فوریه ارائه کرد. بر اساس این طرح، به دنبال چند هفته گفت‌وگو و بحث با همه طرف‌ها و در سایه وضعیت نابسامان امنیتی این کشور، برناردینو لیون فرستاده سازمان ملل به دیدار طرف‌های درگیر در طبرق و طرابلس رفت، ملاحظات دو طرف را برای تدوین طرح صلح جدید شنید و طرح مذکور بعد از بحث‌های فشرده و درخواست از همه طرف‌ها برای کوتاه آمدن از مواضع خود آماده شد. این طرح، مجلس نمایندگان طبرق را نماینده همه لیبیایی‌ها و تنها نهاد مشروع می‌دانست که در کنار شورای عالی ریاست جمهوری رکن اصلی حاکمیت را تشکیل می‌داد. این طرح شش ماده‌ای شامل موارد ذیل می‌شد:

- 1- تشکیل دولت وحدت ملی به‌زعامت رئیس‌جمهور؛
  - 2- تشکیل شورای ریاست جمهوری متشکل از شخصیت‌های مستقل و مقبول از سوی همه گروه‌های سیاسی و مردم لیبی که می‌بایست رئیس‌جمهور و دو معاون وی از اعضای اصلی این شورا باشند (www.irna.ir).
  - 3- تشکیل شورای عالی دولت که می‌بایست با 120 عضو از جمله اعضای دولت‌های رقیب تشکیل شود. این نهاد به‌عنوان بالاترین مرجع مشورتی لیبی شناخته شده که تصمیم‌های آن لازم‌الاجرا تلقی می‌شد (irna.ir/fa).
  - 4- تشکیل شورایی متشکل از نخست‌وزیر و چهار وزیر سیاستمدار (و نه نظامی) دیگر که کنترل قوای مسلح را بر عهده خواهند داشت.
  - 5- تشکیل شورای امنیت ملی در کنار شورای شهرداری‌ها.
  - 6- حمایت از کمیته تدوین قانون اساسی (www.irna.ir).
- ادامه درگیری‌های دو دولت رقیب و اختلاف بر سر تعیین زعامت نیروهای مسلح باعث شد که عملاً طرح شش ماده‌ای لئون به نتیجه نرسد؛ اما لئون ناامید نشده و در 26 آوریل 2015 پیش‌نویس توافقی را ارائه کرد که مورد پذیرش اغلب طرف‌های درگیر در این کشور قرار گرفت. این طرح درصدد ایجاد دولت وحدت ملی در لیبی می‌باشد و از طریق رسانه‌های اجتماعی در اختیار مردم لیبی قرار گرفت.



این طرح 16 صفحه‌ای شامل دو اصل مهم می‌شود؛ اول آن که نقشه راهی که توسط خود لیبیایی‌ها در سال 2011 در اعلامیه قانون قانون اساسی برای اداره حکومت در دوره انتقالی ترسیم شده بود برای این دوره حساس و پیچیده مناسب نیست؛ زیرا تفکیک قوا و ایجاد توازن بین قوای مختلف حکومت در آن لحاظ نشده بود و لذا اکنون به‌عنوان منشأ بی‌نظمی در لیبی شناخته می‌شود. دوم این که بر اساس این طرح پیشنهادی دوره انتقالی موردنظر در اعلامیه قانون اساسی برای دو سال دیگر تمدید شده تا فرصتی برای لیبیایی‌ها فراهم کند که بر روی تلاش‌هایی که در این طرح به آن اشاره شده کار کنند.

تفاوت طرح مذکور با پیش‌نویس‌های قبلی در این بود که طرح شامل نظام توازن قوا شده و تفکیک قوا را تضمین می‌کند، در حالی که در اعلامیه قانون اساسی، تمام قدرت در یک قوه یعنی قوه مقننه جمع شده بود. طرح جدید لئون قوه مجریه را به‌عنوان حکومت ملی مورد توافق همگان معرفی می‌کند و با دادن اختیارات گسترده آن‌را قوه مقننه مستقل می‌نماید. لئون به این نتیجه رسیده بود که تجربه تاریخی و تحولات اخیر لیبی پس از انتخابات پارلمانی 2014 در این کشور نشان داده که این کشور نمی‌تواند توسط 200 نماینده پارلمان اداره شود. تجربه انتقال قدرت از دیکتاتوری سخت یک نفره قذافی به حکومت جمعی نمایندگان، تجربه ناموفقی در لیبی بوده است.

بخش دیگر طرح بخش امنیتی آن است. این طرح پیام روشنی در خصوص مخالفت لیبی با تروریسم، افراطی‌گری، قاچاق انسان و مهاجرت غیر قانونی دارد. در این پیش‌نویس تأکید شده است که لیبی یک کشور صلح‌طلب است و ارتش در این کشور تحت نظارت غیر نظامیان است و باید بی‌طرف بماند. همچنین بین ارتش، پلیس (نیروی انتظامی) و نهادهای امنیتی تفاوت گذاشته شده است.

مسئله دیگری که در طرح به آن اشاره شده است بحث حقوق بشر، بی‌خانمان‌ها و پناهندگان لیبیایی و تلاش برای فراهم کردن شرایطی برای بازگشت داوطلبانه آن‌ها و همچنین مشارکت برابر زنان، دخیل کردن جوانان در اداره جامعه و حفظ حقوق اقلیت‌ها است. نیاز به کمک‌های بین‌المللی برای استقرار دولت وحدت ملی و مبارزه با تروریسم در لیبی از دیگر مواردی است که طرح به آن اشاره می‌کند. طرح پیشنهادی لئون نه به جناح‌های سیاسی و نظامی درگیر در لیبی بلکه خطاب به مردم لیبی تدوین شده بود و لذا از مردم لیبی می‌خواست که در فرآیند دولت‌سازی در کشور خود مشارکت نمایند (www.arab-reform).

در 10 ژوئن 2015 نشست دیگری با حضور رهبران اروپایی و شمال آفریقا در برلین در خصوص بحران لیبی برگزار شد. لئون و فرانک والتر اشتاینمایر، وزیر امور خارجه آلمان، پس از برگزاری این نشست گفت‌وگوهای ملی لیبی را در برلین آخرین فرصت برای ایجاد صلح و ثبات در این کشور عنوان کردند. لئون تأکید کرد که پیشنهادی ارائه داده است که می‌تواند راه مناسبی برای حل بحران باشد؛ اما اولین گام آن است که کسی نظرش را بر دیگری تحمیل نکند. او اظهار داشت که تلاش می‌کند ماه رمضان (سال 2015)، ماه صلح در لیبی باشد (www.thenational.ae).

اما پارلمان منتخب لیبی در اعتراض به پیش‌نویس چهارم فرستاده سازمان ملل، از سفر نمایندگانش به آلمان برای حضور در این نشست ممانعت نموده و اشاره کرد پارلمان طبق با پیش‌نویس چهارم فرستاده سازمان ملل در خصوص تشکیل دولت وحدت ملی و پایان دادن به درگیری‌ها مخالف است و از تمامی طرف‌ها می‌خواهد تا در خصوص بندهای این پیش‌نویس بحث نکنند و از سفر به برلین خودداری کنند. لئون در پنجمین جلسه مذاکرات لیبیایی‌ها که در شهر الصخیرات مغرب برگزار شد، پیش‌نویس جدیدی را برای حل بحران لیبی به طرف‌های لیبیایی ارائه کرد؛ اما پارلمان طبق که خواهان برخی اصلاحات در پیش‌نویس چهارم بود حاضر به پذیرش آن نشد (isna.ir/fa/news).

دور ششم مذاکرات سیاسی میان طرف‌های درگیر در لیبی 28 ژوئن 2015 در شهر صخیرات مغرب برگزار شد. پیش‌نویس جدید با تغییراتی که در آن صورت گرفته بود مورد قبول دولت طبرق واقع شد. اصلاحات صورت گرفته در پیش‌نویس چهارم شامل حمایت از ارتش ملی لیبی و اکتفا به ارتش بدون بازسازی آن و دادن اختیارات فرمانده کل نیروهای مسلح به شخص نخست‌وزیر است. در این اصلاحات هم‌چنین ذکر شده بود که نظر شورای عالی دولت، «مشورتی» و «غیر الزامی» است و باید مقر آن شهر «سبها» در جنوب لیبی باشد (isna.ir/fa/news).

هفتمین دور مذاکرات صلح 2 جولای 2015 در صخیرات مغرب برگزار شد؛ اما کنگره ملی لیبی به‌رغم موافقت قبلی خود با پیش‌نویس چهارم اعلام کرد که به‌دلیل عدم اصلاحات اساسی در این پیش‌نویس در مذاکرات شرکت نمی‌کند. به‌رغم تهدید نماینده سازمان ملل مبنی بر تحریم‌های شورای امنیت علیه کسانی که در مذاکرات شرکت نکنند، کنگره ملی از حضور در مذاکرات سر باز زد و دور هفتم مذاکرات بدون حضور آن‌ها برگزار شد و پیش‌نویس توافق نیز به امضا رسید (www.un.org).

عدم حضور نمایندگان کنگره ملی در دور هفتم مذاکرات، نزدیک شدن به پایان دوره قانونی مجلس نمایندگان طبرق (نمایندگان برای مدت دو سال انتخاب شده بودند)، قدرت‌گیری داعش و دیگر جریان‌های افراطی، دخالت قدرتهای منطقه‌ای و حمایت آن‌ها از جریانات همسو در داخل لیبی و اولویت نداشتن حل بحران لیبی برای قدرتهای بزرگ، آینده بحران لیبی را مبهم کرده و تصور کاهش بحران در کوتاه‌مدت را تا حدودی بعید نموده است.

### تأثیر بحران لیبی

بحران لیبی که ابتدا با یک اعتراض مدنی به دیکتاتوری قذافی آغاز شد، به‌تدریج تبدیل به جنگ داخلی در این کشور شده و با ورود بازیگران خارجی تبدیل به بحرانی بین‌المللی شد. این بحران لیبی را از کشوری تأثیرگذار در تحولات منطقه به کشوری شکست خورده تبدیل نمود که منشأ صدور ناامنی به کشورهای همسایه، منطقه و جهان است (United Nations Security Council Report, 2012: 4).

در سطح توزیع قدرت و ائتلاف‌ها می‌توان گفت بحران لیبی با موفقیت آمریکا در ائتلاف‌سازی و تقویت همکاری با متحدین خود باعث برتری این کشور در رقابت با روسیه شده است، به‌گونه‌ای که روس‌ها از این تجربه تلخ درس گرفته و سعی کردند مانع تکرار چنین تجربه‌ای در بحران سوریه شوند. به‌علاوه آن که لیبی از قدرتی تأثیرگذار در مسائل منطقه عربی - آفریقایی به دولتی ورشکسته و فاقد توان برای اداره امور داخلی خود تبدیل شد. در نتیجه عرصه برای ابراز وجود سایر رقبا نظیر مصر، الجزایر و مغرب فراهم شد.

در سطح بازیگران داخلی و منطقه‌ای باید اشاره داشت دستیابی گروه‌های مختلف لیبیایی به انبارهای اسلحه و مهمات قذافی که در نتیجه بحران حاصل شد و هم‌چنین آزادی عمل قبایل که پیش از آن توسط قذافی تطمیع و کنترل می‌شدند، باعث نگرانی جامعه بین‌المللی و به‌ویژه کشورهای منطقه ساحل شده است. با توجه به فقر گسترده در برخی کشورهای همسایه لیبی (نظیر چاد، مالی و نیجر) دسترسی به ثروت قذافی می‌تواند در جذب نیرو برای گروه‌های تروریستی مؤثر باشد. ظهور داعش در لیبی (در شهر درنه و سرت) و تلاش برای دستیابی به چاه‌های نفت در این کشور، از جمله نگرانی‌ها در این زمینه به‌شمار می‌رود. به‌علاوه آن که تسلط داعش بر شمال لیبی می‌تواند پایگاهی برای تهدید و حمله به اتحادیه اروپا به‌شمار رود (Gambhir, 2015: 2). در نبود یک دولت مرکزی مقتدر در لیبی عرصه برای عرض اندام گروه‌های تروریستی در این کشور فراهم شده، به‌نحوی که جنوب این کشور به منطقه‌ای امن برای فعالیت

این گروه‌ها تبدیل شده است. به‌ویژه آن‌که پس از حمله فرانسه به مالی این گروه‌ها در پی یک ملجأ مطمئن بودند (Chivvis & Martini, 2014: 9).

روابط اقتصادی لیبی با کشورهای همسایه و مضراتی که در این خصوص در نتیجه بحران لیبی متوجه آن‌هاست از دیگر مسایلی است که باید به آن اشاره شود. مسئله امنیت غذایی و امنیت انسانی به‌ویژه در چاد، مالی و نیجر و تا حدودی موریتانی و نیجریه در نتیجه بحران به‌شدت تحت تأثیر منفی قرار گرفت. همچنین تأثیر بحران را می‌توان در جریانات تجاری، توریسم، محیط زیست و تردهای عادی منطقه مشاهده نمود (United Nations Security Council Report, 2012: 5).

از دیگر تأثیرات بحران می‌توان به تهدید امنیت انرژی، قاچاق کالا و مواد مخدر و همچنین صدور تروریسم به اتحادیه اروپا اشاره کرد. تسلط داعش بر درنه و سرت و تلاش آن‌ها برای سلطه بر صبراته (پایگاه صدور گاز لیبی به اتحادیه اروپا) بیش از پیش بر نگرانی‌ها افزوده است. همچنین مهاجرت غیرقانونی اتباع کشورهای زیر صحرا از کانال لیبی به اتحادیه اروپا موجب نگرانی کشورهای این اتحادیه شده و باعث شده تا این کشورها تمهیدات ویژه‌ای در این خصوص بی‌اندیشند. نگاهی به آمار مهاجران این مسئله را به‌خوبی روشن می‌سازد. بین سال‌های 2003 تا 2012 میلادی 190425 مهاجر و پناهنده از طریق لیبی به لامپیدوسای<sup>1</sup> ایتالیا و 16455 نفر به مالت مهاجرت نمودند (Toaldo, 2015: 2): اما آمار سال 2015 نشان می‌دهد که در نتیجه بحران لیبی، حدود 500 هزار مهاجر و پناهنده از راه دریا قصد فرار از لیبی به سمت اتحادیه اروپا را داشته‌اند (Toaldo, 2015: 3).

در خصوص تأثیر بحران لیبی بر قواعد بازی می‌توان از روی آوردن قدرت‌های بزرگ (به‌ویژه آمریکا) به قدرت هوشمند سخن گفت. آمریکا در بحران لیبی بر خلاف جنگ عراق به چندجانبه‌گرایی و همکاری با متحدین خود روی آورد. در این چارچوب ضمن تقویت همکاری با متحدین به ترویج ارزش‌های آمریکایی (دفاع از حقوق بشر و حاکمیت دموکراسی) پرداخته و در افکار عمومی بین‌المللی از خود چهره مثبتی نشان داد. آمریکا به‌گونه‌ای در این زمینه حساب شده عمل کرده که دولت طبرق لیبی بارها از آن‌ها تقاضای دخالت نظامی برای پایان دادن به بحران در این کشور را نمود؛ اما آمریکا تا کنون با این تقاضا مخالفت کرده است.

## نتیجه‌گیری

بحران لیبی از ابتدا با دخالت ناتو برای به‌ثمر نشستن انقلاب این در سال 2011 تبدیل به بحرانی بین‌المللی شد. قذافی تا آخرین لحظات به سرکوب مردم ادامه داد و شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت کشتار مردم لیبی توسط قذافی قطعنامه‌ای صادر کرد که مبنایی برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در آسمان لیبی توسط ناتو شد. پس از به‌ثمر نشستن انقلاب لیبی بحران رو به فروکش کردن نهاد. دولت موقت و کنگره ملی اداره کشور را برای یک‌سال‌ونیم در دست گرفتند؛ اما پس از برگزاری انتخابات پارلمانی در جولای 2014 بار دیگر بحران در این کشور اوج گرفت. کنگره ملی سابق در اعتراض به محل تشکیل پارلمان جدید دوباره احیا شد و دولتی موازی در طرابلس تشکیل داد. در این میان بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند الجزایر، مغرب، سودان، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، اتحادیه اروپا، آمریکا و دیگر بازیگران با ایفای نقش در بحران باعث پیچیده‌تر شدن آن شده‌اند. نماینده سازمان ملل متحد نیز با برگزاری مذاکرات صلح متعدد میان دولت‌های رقیب و احزاب و جناح‌های درگیر در لیبی سعی در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران داشته است. در آخرین دور مذاکرات که در صخیرات مغرب برگزار شده است طرفین با پیش‌نویس چهارم فرستاده

سازمان ملل موافقت کرده و امید بود که بحران به روشی مسالمت‌آمیز حل و فصل شود؛ اما عدم حضور نمایندگان کنگره ملی سابق در دور هفتم مذاکرات و امضای توافق بدون حضور آن‌ها بار دیگر آینده مبهمی را برای بحران لیبی ترسیم می‌کند.



1. اکبری، حسین (1393)، **لیبی پس از قذافی**، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
2. برچر، مایکل (1382)، **بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها**، ترجمه‌ی میر فردین قریشی، ج 1، تهران: مطالعات راهبردی.
3. خلیلی، محسن؛ سلیمانی‌پور، زهرا؛ عشرتی خلیل‌آباد، فهیمه (1392)، بررسی بحران آذربایجان بر پایه‌ی مدل مدیریت بحران برچر، **فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی**، سال چهاردهم، شماره 55، صص 147-184.
4. قامت، جعفر (1388)، کالبدشکافی بحران گرجستان، **دانشنامه**، دوره 2، شماره 3، صص 167-188.

## ب) لاتین

1. Bhardwaj, Maya (2012), "Development of Conflict in Arab Spring Libya and Syria: from Revolution to Civil War", **Washington University International Review**. Available: <http://www.Operationspaix.net/data/document/7367>.
2. Blanchard, Christopher M& Jim Zanotti (2011), "Libya: Background and U. S. Relations", **Congressional Research Service**, Available: <http://fpc.state.gov/documents/organization/157348.Pdf>.
3. Brecher, Michael& Jonathan Wilkenfeld (2003), **International Crisis Behavior Project**, university Consortium for Political and Social Research, Fourth ICPSR Version
4. Chipaike, Ronald (2012), "The Libya Crisis: The Militarisation of the New Scramble and More", **International Journal of Humanities and Social Science**, Vol. 2 No. 8.
5. Chivvis, Christopher S. & Jeffrey Martini (2014), Libya after Qaddafi Lessons and Implications for the Future, **National Security Research Division (RAND)**, Available: [http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research\\_](http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_)
6. Combaz, Emilie (2014), "Key actors, dynamics and issues of Libyan political economy", **Helpdesk Research Report**, Available: <http://www.gsdrc.org/docs/open/HDQ1106.pdf>.
7. Ebaye, Sundaye. N, Frank N. Enor and Jide Chime (2011), "NATO and the Libyan Crisis: a Looming Case of Neo-Dictatorship", **American International Journal of Contemporary Research**, Vol. 1 No. 2
8. Gambhir, Harleen (2015), "ISIS Global Intelligence Summary", **Institute for the Study of War**, Available: <http://www.understandingwar.org/sites>
9. Joy, Ajish p (2011), "The Crisis in Libya. ORF Issue Brief", Available: <http://www.orfonline.org/>
10. O'brien, Emily& Andrew Sinclair (2011), **the Libyan War: a Diplomatic History**. **Center on International Cooperation**, New York University, Available: [http://cic.es.its.nyu.edu/sites/default/files/libya\\_diplomatic\\_history.pdf](http://cic.es.its.nyu.edu/sites/default/files/libya_diplomatic_history.pdf)

11. Toaldo, Mattia (2015), "Migrations Through and From Libya: A Mediterranean Challenge", **Istituto Affari Internazionali**, Available: <http://www.Osce.Org/networks/166526?download=true>
12. United Nations (2012), Security Council. Report of the Assessment Mission on the Impact of the Libyan Crisis on the Sahel Region. Available: <http://www.iom.int/sites/default/files/event/docs/Interagency>.

